



گفتگو با آنتوان بارا نویسنده مسیحی کتاب «الحسین فی الفكر المسيحي»

آنتوان بارا نویسنده و متفکر مسیحی (متولد ۱۹۴۳) در سوریه است. از سال ۱۹۶۶ تا کنون عضو هیئت تحریریه روزنامه «القبس» و مدیر تحریر دوهفته نامه «شبكة الحوادث» است و در برخی شبکه‌های رادیویی عربی نیز فعالیت داشته است. برخی تألیفات وی عبارتند از: عشرة أيام ساخنة، الأسياد، الأحلام تموت أولاً، دخان فوق دسمان. همچنین کتاب جدید و در حال نشر با نام: زينب... صرخة أكملت مسيرة.

۳۰۳

اطلاع‌رسانی

– بخش‌هایی از مصاحبه‌ای که پایگاه‌النبأ با آقای آنتوان بارا انجام داده است:

هنگام رفتن به دیدار استاد آنتوان بارا، نمیدانستیم به دیدار شخصی میرویم که خود را شیعه می‌داند. چون ما او را به عنوان یک متفکر و محقق مسیحی میدانستیم که کتابی را با نام «الحسین فی الفكر المسيحي» نوشته است.

در طول سه ساعت دیدار ما با آنتوان بارا، وی نام حسین را نمی‌برد، مگر با عبارت «علیه السلام». به نظر او امام حسین (علیه السلام) مختص شیعه و مسلمانان نیست؛ بلکه متعلق به همه جهان است و او در واقع روح همه ادیان است. او تشیع را بالاترین مراتب حب الهی می‌داند و معتقد است هر شخصی در این دنیا با هر دینی که دارد ممکن است شیعه باشد.

آنتوان گفت: شما شیعیان قدر امام حسین را نمی‌دانید! او امانتی است نزد شما تا فریاد روز عاشورای او را به گوش همه جهان برسانید و این کار مستلزم تعمق در ارکان و روح حرکت

انقلابی او و اکتفا نکردن به روایت داستان کربلا و ظاهر این حادثه است.

وی دربارهٔ چگونگی تألیف این کتاب گفت: در ابتدا چیز زیادی دربارهٔ حادثهٔ کربلا نمی‌دانستم؛ تا این که سی و پنج سال پیش با سید شیرازی (مرجع تقلید) آشنا شدم و برخی کتب دربارهٔ امام حسین (علیه السلام) را به من معرفی کرد. من پس از مطالعه آن کتاب‌ها دریافتم که حادثهٔ عاشورا، حماسه‌ای منحصر به فرد است و تعجب کردم که مسئله‌ای به این بزرگی، به اندازه کافی مورد اهتمام متفکرین مسلمان نبوده و مستشرقین هم از جنبه مادی به این بحث پرداخته‌اند. این مسئله مرا بر آن داشت که ملاحظاتی را دربارهٔ این انقلاب بزرگ و شخصیت امام حسین (علیه السلام) داشته باشم؛ تا این که سید شیرازی از من خواست این ملاحظات را چاپ کنم. پس از آن بود که به فکر مطالعه و تحقیق بیشتر افتادم و همواره یک نیروی الهام‌بخش معنوی در وجود خود احساس میکردم که مرا به پی‌گیری این تحقیقات تشویق می‌کرد و در نهایت این کتاب به چاپ رسید.

وی در بخشی از سخنانش دربارهٔ بازتاب انتشار این کتاب گفت: این کتاب بازتابی بیشتر از آنچه تصور می‌کردم در پی داشت. مسلمانان و به خصوص شیعیان از این کتاب استقبال کردند؛ ولی برخی مسیحی‌ها به آن اعتراض کردند و دربارهٔ من گفتند که او یک مسیحی است که شیعه شده و در بیروت نیز کتابی علیه آن نوشته شد که ریک و سطحی بود. البته یک رسالهٔ دکترا نیز در تأیید این کتاب نوشته شده است. بحمد الله تا کنون این کتاب به هفده زبان دنیا ترجمه شده و این از فضل حسین (علیه السلام) است.

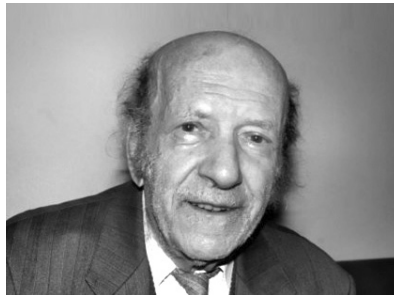
انتوان در پاسخ سؤالی دربارهٔ تعریف خود از سید الشهدا (علیه السلام) گفت: حسین (علیه السلام) روح ادیان است و اگر او نبود، تمام ادیان آسمانی از بین میرفت. در مور اسلام نیز باید بگویم که آغاز آن محمدی و استمرار آن حسینی است و زینب (علیها السلام) فریادی است که راه جهاد و دفاع از دین را کامل کرد. وی در ادامه گفت: با وجود این که حسین (علیه السلام) نزد شما شیعیان و مسلمانان شخصیتی مقدس است، با این حال قدر او و انقلابش را نشناخته‌اید.

مؤلف در بخشی از کتاب آورده است: اگر حسین از ما بود، در هر سرزمینی پرچم او را برافراشته می‌کردیم و در هر سرزمینی برای او منبری می‌ساختیم و بر فراز آن مردم را به نام او به مسیحیت دعوت می‌کردیم. او گفت: به نظر من متفکرین اسلامی دربارهٔ حسین (علیه السلام) و فهم و انتشار رسالت او کوتاهی کرده‌اند. آن‌ها باید صدای این انقلاب را به نقاط مختلف

جهان برسانند؛ زیرا من معتقدم اگر صدای انقلاب حسین به غرب برسد و آن‌ها با مفاهیم بلند و باشکوه آن آشنا شوند، تمام غرب پیرو حسین علیه السلام می‌شود.

او در پایان گفت که بدون شک، کرم مولایم حسین علیه السلام در روزی که مال و فرزند سودی ندارد شامل حالم می‌شود؛ زیرا او از رنج‌های من برای به ثمر رسیدن این کتاب آگاه است و می‌داند چه سختی‌ها و مشکلاتی را بدون چشم‌داشت مالی در این راه تحمل کرده‌ام.

گفتنی است که کتاب **الحسین علیه السلام فی الفكر المسيحي**، به واقعه کربلا و حادثه عاشورا از نگاه یک مسیحی می‌پردازد. آنتوان باره، نویسنده مسیحی و عرب‌زبانی است که این کتاب را در سال ۱۹۷۸ م به رشته تحریر درآورده است. وی نویسنده‌ای توانا و ادیبی باذوق است که علاوه بر کتاب «حسین در اندیشه مسیحی»، پانزده عنوان کتاب دیگر نیز در حوزه‌هایی همچون ادبیات، رمان و داستان به رشته تحریر درآورده است. کتاب مذکور در هفت فصل شامل: وجدان ادیان، اصول و مبارزه، معجزات شهادت، قیام و شهادت، جنایت و سقوط، صدای پای وجدان و شیفتگی فکری تدوین شده است. کتاب تاکنون به ۱۷ زبان ترجمه شده و در ۵ دانشگاه نیز برای تدریس در دوره‌های تکمیلی کارشناسی‌ارشد و دکتری مورد تأیید قرار گرفته است.



مصاحبه با جرج جرداق در روز میلاد امام علی علیه السلام

جرج جرداق، نویسنده مسیحی کتاب **صوت العدالة الانسانية** درباره انگیزه خود از نوشتن در مورد علی بن ابیطالب علیه السلام گفت: من در یک منطقه مسیحی متولد شدم که اهالی آن به تاریخ و بزرگان عرب افتخار میکردند. برادر بزرگ من برای دیگران قصایدی در مدح علی علیه السلام میخواند و من که یک کودک بودم آن‌ها را حفظ می‌کردم؛ تا این که برادرم یک نهج‌البلاغه به من داد و من آن را مخفیانه حفظ و به وسیله آن، چهرهای مبهم از یک مرد بزرگ را در ذهنم ترسیم کردم. در جوانی هنگامی که نوشته‌های طه حسین و عباس محمود

را دربارهٔ علی (علیه السلام) خواندم، احساس کردم که علی بن ابیطالب از آن چه که آن‌ها می‌گویند بزرگ‌تر است و هنگامی که شروع به خواندن نهج البلاغه کردم، مطمئن شدم که حق علی (علیه السلام) در نوشته‌های آن‌ها رعایت نشده است و تصمیم گرفتم که با نوشتن کتاب الامام علی صوت العدالة الانسانیة، وارد این معرکه شوم.

وی با اشاره به این که علی (علیه السلام) از ارکان هر ملیتی است، دربارهٔ ولایت علی (علیه السلام) گفت: او از هر ولایتی بزرگ‌تر است؛ او یکی از نوادر بزرگ تاریخ و از پدرهای بزرگ انسان به‌شمار می‌رود و تنها متعلق به شیعه نیست.

وی درباره صفتی که بیشتر او را به امام علی (علیه السلام) جذب کرده است، گفت: همهٔ صفات علی عظیم است؛ او ذات عظمت است. اما سادگی او بیشتر از دیگر صفات او توجه مرا جلب کرد. فروتنی و خصلت‌های نیکوی او، ارزش‌هایی هستند که تغییر نمیکنند. او در همهٔ مواضع قوی است و هنگام قدرت عفو میکند. تأمین سلامت عایشه و احترام به او پس از معرکهٔ جمل، بهترین دلیل است؛ شخصیت او که بر ارزشها بنا شده است، اجازه داد که برای سپاه معاویه آب تأمین کنند.

او گفت: صفتی از امام علی (علیه السلام) که امروزه در زندگی اجتماعی خود بیش از صفات دیگر به آن نیاز داریم، این فرمایش ایشان است که: «هیچ نعمت فراوانی را ندیدم، مگر این که در کنار آن حقی ضایع شده باشد».

جرج جرداق در بخشی از سخنانش دربارهٔ شباهت‌های میان علی بن ابیطالب (علیه السلام) و عیسی بن مریم (علیه السلام) گفت: علی (علیه السلام) از همه به مسیح نزدیک‌تر است و شباهت‌ها فراوان است... مسیح برای کسانی که او را به صلیب کشیدند طلب آموزش کرد و گفت: خدایا آن‌ها را بیامرز؛ چون نمیدانند چه میکنند... و علی شمشیر از دشمنش برداشت؛ گویی به او میگفت: بلند شو! تو نمی‌دانی چه میکنی. چه بسیار اتفاق می‌افتاد که در جنگ‌ها از دشمنان خود می‌گذشت؛ همان طور که بعد از جنگ جمل به عایشه احترام گذاشت. مسیح نیز روزی گفت: دشمنان خود را دوست بدارید و به کسانی که شما را نفرین میکنند دعا کنید؛ همان طور که گفتیم، در اروپا و در قرون وسطی گمان می‌کردند امام علی (علیه السلام) یک وصی مسیحی است؛ زیرا با مطالعه دربارهٔ شخصیت او، دریافتند که او نزدیک‌ترین شخص به مسیح است.

آقای جرج جرداق در پاسخ به این سؤال که اگر به صورت غیر منتظره امام علی (علیه السلام) را ببینی،

به او چه خواهی گفت، پاسخ داد: یا علی! عمر تو الان به هزار و چهار صد سال رسیده است و اگر به یک میلیون و هزار و چهار صد سال هم برسد، باز تو در اوج عظمت خواهی بود و همیشه به تو اقتدا خواهند کرد.